

نباید چشمان به دست غربی ها باشد

۲۰ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۱۹:۴۵

یکی از ویژگی های ممتاز امام خمینی (ره) بی شک سخنان کوبنده، بیدار کننده و هشدار دهنده ایشان به مردم ایران بوده است که تنها نمود یکی از آن ها در باره ی تاثیر غرب بر سرنوشت ایران می باشد.

— امام خمینی (ره) در این باره در یکی از بیانات خود در سال ۱۳۵۹ فرموده اند: توجه به این نکته وتذکر اولاً لازم است. ملتی که بخواهد سرپای خود بایستد و اداره کشور خودش را خودش بکند، لازم است که اول بیدار بشود. در سیر الی الله هم اهل معرفت گفته اند که بیداری اول منزل است. در طول تاریخ، در این سده های آخر، کوشش شده است که ملت های جهان سوم خواب باشند، غافل باشند و توجهشان به شخصیت خودشان نباشد و شخصیت خودشان را اصلاً وابسته به غیر بدانند. این قضیه از سال های بسیار طولانی بوده است، و دائماً رشد کرده است تا این اواخر به رشد تمام رسیده بود. من یک قصه شنیدم که مال شاید صد سال پیش از این باشد. صد و بیشتر از صد سال از شیخ ما مرحوم آیت الله حائری - رحمه الله - نقل شد که فرموده بودند که من بچه بودم در یزد، و تازه این لامپ ها را لامپ هایی که آن وقتها بود آورده بودند و یک جلسه ای درست کرده بودند. مردم جمع شده بودند آنجا و این لامپ ها را گذاشته بودند. یک پله هایی درست کرده بودند و این لامپها را گذاشته بودند. یک پله هایی درست کرده بودند و این لامپ ها را گذاشته بودند آنجا؛ آن بالا. مردم تازه می دیدند او را. چراغشان قبلاً چراغی غیر از آن ترتیب بوده، و یک نفر فرنگی هم آنجا بود. این هر چند دقیقه یا چند وقت یک دفعه از این پله ها می رفت بالا و آن ماشه لامپها را حرکت می داد. این یک قدری نورش می رفت بالا، مردم صلوات می فرستادند. بعد می آمد پایین یک قدری می ماند و مردم مشغول تماشا بودند، دوباره می رفت بالا آن را می کشید پایین، مردم باز تظاهر می کردند. این از آن وقتها مطرح بوده است که ما حتی نمی توانیم پیچ یک چراغ را بالا ببریم. این باید فرنگی این کار را بکند. باید از خارج فرهنگی ها بیایند و دستشان را این طور کنند تا این ماشه چراغ، فتیله را بالا ببرد و بعد هم اینطور کنند تا پایین بیاورد. کم کم در همه طبقات این انگیزه رشد کرد. من عکس مجسمه آتاتورک را در ترکیه - آن وقت که تبعید بودم به آنجا - دیدم که مجسمه او رو به غرب بود و دستش را بالا کرده بود و آنجا به من گفتند که این علامت این است که ما هر چه باید انجام بدهیم باید از غرب باشد. باصطلاح، آتاتورک یک مرد مثلاً روشنی، یک مرد کذایی بوده. و در کشور ما هم بعضی از روشنفکرها - به اصطلاح - گفته بودند که ما باید از سر تا قدم اروپایی و انگلیسی باشیم تا بتوانیم ادامه حیات بدهیم. ما تا نفهمیم که خودمان هم یک شخصیتی داریم، مسلمانها هم یک گروهی هستند و شخصیتی دارند و می توانند خودشان هم کار انجام بدهند، تا نخواهیم یک کاری را، نمی توانیم و تا بیدار نشویم، نمی توانیم. ما را در غفلت و در خواب نگه داشتند که ما هیچ یک از امور صنعتی را قادر بر تحققش نیستیم. ما باورمان آمده بود یا بسیار از ما، که غرب یک نژاد برتر است. این طرز فکر، ما را آن طور عقب نشانده بود که اعتقادمان این بود که اصلاً از ما کاری ساخته نیست. ارتش ما اگر

خواهد ارتش بشود مستشار لازم دارد. از امریکا یا از اروپا باید مستشارانی بیایند تا ارتش ما را بتوانند سر و سامان بدهند. ما راجع به صنایع اصلا نباید صحبت بکنیم. این صنایع درست به عهده اروپاییها و امریکاییهاست.

ما تا بیدار نشویم از این خواب و تا توجه به این نکنیم که ما هم انسان هستیم و ما هم شخصیت داریم و ما هم ملتهای بزرگ هستیم، ما هم، مسلمین هم یک میلیارد تقریبا جمعیت با همه وسایل دارند، تا این معنا را ما باور نیاید، نمی رویم دنبال کار. یک جمعیتی اگر نشستند و دستشان را دراز کردند پیش یک جمعیت های دیگر که بده به ما، تمام همشان این بود که هرچه می خواهد از خارج بیایند و بدهند به شما و ذخایر شما را از اینجا ببرند در ازای آن چیزی که می دهند، این ملت اگر یک میلیون سال هم زندگی بکند همان حال اول است، تنبل بار می آید، بی اراده بار می آید. این تبلیغات دامنه داری که کردند و حالا هم باز می کنند به گوش شما نباید برود.

اگر این معنا را ما توجه به آن بکنیم و بفهمیم که ما باید خودمان برای خودمان وسایل زندگی را فراهم کنیم، خودمان برای خودمان کار بکنیم، اگر دستمان را از شرق و غرب کوتاه کنیم و خودمان مشغول فعالیت بشویم، یاد بگیریم لکن بعد از یاد گرفتن خودمان کار بکنیم، نرویم سراغ اینکه بنشینیم تا حتی یکی گلی می هم که می خواهیم، یک پتویی هم که می خواهیم از آنجا بیاورند، یک تفنگی هم که می خواهیم از آنجا بیاورند، اگر ما به این معنا توجه کنیم و بیدار بشویم، دنبال بیداری، اراده پیش می آید که ما بخواهیم که خودمان وسایل اجتماعی خودمان را فراهم کنیم با کوشش خودمان.

باید کارهای خودمان را انجام بدهیم. مدتی می گذرد و ما خودمان صنعتگر خواهیم شد. انهایی که این صنعتهای بزرگ را درست کردند، آنها هم انسانهای یک سر و دو گوشی هستند که مثل سایر انسانهای منتها قبل از ما بیدار شدند و ما را خواب کردند. قبل از اینکه ما بیدار بشویم آنها بیدار شدند و هم خودشان را صرف این کردند که با ایادی خودشان مستقیما یا به غیر مستقیم ما را غافل کنند. ما را خواب کنند و به ما تزریق کنند که شما نمی توانید حکومت کنید. شما نمی توانید یک نظام صحیح داشته باشید. شما نمی توانید یک صنعتی داشته باشید. اگر ما از این خواب بیدار نشویم، هر چه فریاد بزنیم فایده ندارد. شعارها فایده ندارد. آن شعاری فایده دارد که از روی علم باشد و توجه.

باید بیدار بشوید، بروید دنبال اینکه آن صنایع پیشرفته را خودتان درست بکنید. وقتی این فکر در یک ملتی پیدا شد و این اراده در یک ملتی پیدا شد، کوشش می کند و دنبال کوشش این مطلب حاصل می شود. یاس از جنود ابلیس است، یعنی شیطانها انسان را به یاس و می دارند. همین ابلیس هایی که می بینید در طول تاریخ ملتها ضعیف را مایوس کرده اند. همینهایی که به ملتهای ضعیف تزریق کردند که ما هیچ نمی دانیم و هیچ نمی توانیم. همینهایی که به ملتهای ضعیف به واسطه وابستگیهایشان به خارج گفتند که ما باید غربی باشیم. ما ارتشمان هم باید از غرب برایش یک کسی بیاید. کارخانه هایمان هم باید از غرب بیاید راهش بیندازد. ما باید این جنود ابلیس را کنار بزنیم و امید، که از جنود الله است در خودمان زنده بکنیم. به خودمان امیدوار باشیم. تکیه به اراده خودمان بکنیم. تبع اراده دیگران نباشیم.

*سخنرانی امام خمینی (ره) در جمع اقشار مختلف مردم (اغفال جهان سوم در جهت استثمار آنها)، مورخه ۲۹ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۱۸۳۰/باشد-غریب-دسته-چشممان-نباید/>